

دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک و موثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین

محمد رضا حافظ‌نیا^۱؛ منوچهر متقی^۲؛ خسرو بوالحسینی^۳؛ رضا روشنی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۵

چکیده

تداوم مسیر منسجم و پایدار افزایش قدرت ملی، مدرنیزه کردن دفاع ملی با توجه به شرایط داخلی و روندهای توسعه نظامی در جهان، هماهنگ کردن توسعه اقتصادی و نظامی و نیز بهبود قابلیت‌های دفاعی در عصر اطلاعات، تداوم ثبات اجتماعی و نظم عمومی در جهت حفاظت از حقوق و منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آحاد ملت ایران، تداوم سیاست خارجی مستقل بر مبنای صلح و نیز مفهوم جدید امنیت در جهت نیل به امنیت پایدار در محیط پیرامونی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، اهداف کلانی هستند که محور روابط جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای جهان از جمله چین را تشکیل می‌دهند. در این راستا و در جهت تأمین بخشی از منافع امنیت ملی، تحلیل دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک ایران و چین از مهم‌ترین مواردی محسوب می‌شود که می‌تواند در زمینه تحقق بخشی از موارد پیش‌گفته شده مؤثر باشد. به‌منظور تحقق هدف پژوهش، ابتدا پیشینه و نظریه‌های مرتبط مورد بررسی قرار گرفت و سپس به محیط‌شناسی دو کشور مزبور پرداخته شد و به‌منظور تکمیل ادبیات تحقیق با جمعی از خبرگان نیز مصاحبه عمیق به‌عمل آمد و به‌منظور تأیید نهایی به جامعه نمونه ارائه و میزان تأثیر آن‌ها در روابط دوجانبه ایران و چین در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت ارزیابی گردید. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک، بر روابط دوجانبه ایران و چین تأثیر مثبت دارند و روابط دوجانبه ایران و چین نیز بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارای تأثیر مثبت هستند.

واژگان کلیدی: دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک، روابط دوجانبه، ایران و چین.

۱- استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

۳- استادیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۴- عضو هیئت‌علمی دافوس آجا و نویسنده مسئول (رایانامه: roshani.r@vhmail.ir)

مقدمه

شناخت مسائل جاری جهان و نظم حاکم بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: "هرچه معرفت‌تان به مسائل جاری جهان و این جغرافیای سیاسی غلطی که امروز بر دنیا حاکم است، بیش‌تر باشد، هر چه انسان بیشتر بر این وقوف پیدا کند، آمادگی‌اش امروز بر دنیا حاکم است، بیش‌تر باشد، هر چه انسان بیشتر بر این وقوف پیدا کند، آمادگی‌اش برای دفاع از آن حقیقتی که در زیردست اوست و در اختیار اوست و او مرزبان آن است، بیشتر خواهد بود (مقام معظم فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، آذرماه ۱۳۸۴، حکم انتصاب ریاست دانشگاه عالی دفاع ملی).

امروزه دولت‌ها با توجه به عوامل محیطی اقدام به تعیین اهداف بلندمدت و تدوین راهبرد ملی بر اساس وضع موجود کشور خود، می‌نمایند. عوامل داخلی و خارجی زیادی بر اجرای مأموریت هر دولتی تأثیرگذار می‌باشد که شناخت مهم‌ترین این عوامل، کمک شایانی به اتخاذ سیاست و راهبرد ملی می‌نماید، از آن جمله می‌توان: وضعیت قومی، ارتباطات علمی، جمعیتی و عوامل جغرافیایی به‌ویژه، فضایی و ژئوپلیتیکی را نام برد. این عوامل بر اساس واکنش کشور نسبت به هر کدام از آن‌ها و به شکل نسبی در تدوین راهبرد ملی و سیاست کشورها مؤثر هستند» (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۶).

همچنین چگونگی حفاظت و مقاومت در مقابل تهاجم و دفاع از حاکمیت ملی، انسجام سرزمینی و منافع ساحلی (دریایی)، حفاظت از منافع مربوط به توسعه ملی، بسط توسعه اقتصادی و اجتماعی در تمام حوزه‌ها و تداوم مسیر منسجم و پایدار افزایش قدرت ملی، مدرنیزه کردن دفاع ملی با توجه به شرایط داخلی و روندهای توسعه نظامی در جهان، هماهنگ کردن توسعه اقتصادی و نظامی و نیز بهبود قابلیت‌های دفاعی در عصر اطلاعات، تداوم ثبات اجتماعی و نظم عمومی در جهت حفاظت از حقوق و منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آحاد ملت ایران، تداوم سیاست خارجی مستقل بر مبنای صلح و نیز مفهوم جدید امنیت (بر پایه برابری، اعتماد متقابل، منافع متقابل و هماهنگی) در جهت نیل به امنیت پایدار در محیط پیرامونی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مواردی هستند که دغدغه محققین پژوهش حاضر را شکل داده‌اند.

در این راستا و در جهت تأمین بخشی از منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، الگوی روابط دوجانبه با کشور چین مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی از مهم‌ترین مواردی محسوب می‌شود که می‌تواند

در زمینه تحقق بخشی از موارد پیش گفته شده مؤثر و در این زمینه توجه پژوهشگران را به خود جلب نماید» (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱).

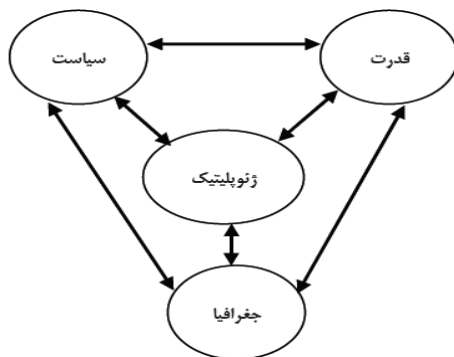
با عنایت به موارد فوق، پژوهش حاضر با هدف احصای دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین و اولویت‌بندی آن‌ها که بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی تاثیر دارند، به رشته تحریر درآمده است و سعی در پاسخ به این سوال دارد که: دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین کدامند؟ و اولویت‌بندی دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین که بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی تاثیر دارد، چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک به‌عنوان «دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ» دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقادورات در مکان و فضاها جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاها جغرافیایی بیشتر توسعه داده و به قلمرو اعمال خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاها مورد منازعه بیرون برانند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۷).

ژئوپلیتیک را می‌توان در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین نمود که در آن سه عنصر اصلی یعنی «جغرافیا»، «قدرت» و «سیاست» دارای خصلتی ذاتی می‌باشند (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۸۴). از دیدگاه حافظنیا (۱۳۷۹) ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط دوجانبه جغرافیا، قدرت و سیاست. این مدل در قالب مدل سه وجهی زیر قابل تبیین است.



شکل ۱. عناصر تاثیرگذار بر ژئوپلیتیک (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۸۵)

در این مدل جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختارها و سامانه‌های سیاسی و کنش‌ها و رفتارهای سیاسی مدنظر است و در آخر عنصر قدرت در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، فناورانه، ارتباطی و رسانه‌ای و غیر آن می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۵).

چالش ژئوپلیتیکی

چالش ژئوپلیتیکی عبارت است از وضعیت به وجود آمده برای یک یا چندین کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن‌ها با استفاده از کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی در جهت منافع خود یا در تضعیف منافع کشورهای رقیب. در واقع می‌توان گفت که کشورها برای ضربه‌زدن بر رقبای خود یا محدودسازی قدرت مانور و عمل آن‌ها از ابزارها و روش‌های مختلف استفاده می‌کنند. یکی از این روش‌ها و ابزارها کاربرد جغرافیا و ارزش‌ها و عناصر جغرافیایی علیه دیگران است. به عبارتی دیگر، هدف اولیه هر چالش ژئوپلیتیکی ایجاد انفعال در طرف مقابل به منظور تغییر رفتار آن است. در اینجا به چند مورد از نمونه‌های تجربی از چالش‌های ژئوپلیتیکی اشاره می‌گردد:

- به‌کارگیری گروه‌های قومی فضائی علیه یکدیگر توسط کشورهای هند و پاکستان با ایران و عراق؛
- طرح مسئله جزایر سه‌گانه و تغییر نام خلیج فارس توسط اعراب علیه ایران؛
- کنترل سرچشمه رودخانه هیرمند توسط افغانستان؛
- احداث خط لوله انتقال انرژی باکو - جیحان و مواردی از این قبیل، اشاره به چالش‌های ژئوپلیتیکی دارند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱).

فرصت ژئوپلیتیکی

فرصت ژئوپلیتیکی عبارت است از وضعیت به‌وجود آمده برای یک یا چند کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و ارزش‌های جغرافیایی در جهت تقویت منافع آن‌ها. در واقع باید وجود عرصه‌های مشترک تعامل را که به لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک یا چند کشور است، فرصت ژئوپلیتیکی نامید. به‌عنوان مثال می‌توان از وجود یک گروه اقلیت هم‌کیش یا هم‌زبان و هم‌فرهنگ در یک یا چند کشور و یا سرچشمه رودخانه‌ها، مسیر تأمین واردات کشور، شبکه‌های

ارتباطی و مخابراتی و غیره نام برد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۰). فرصت ژئوپلیتیکی را می‌توان استفاده از عوامل جغرافیایی در زمینه همکاری یا همگرایی بین دو یا چند کشور تعریف کرد. نکته قابل توجهی که در این زمینه وجود دارد، ماهیت دوگانه عوامل جغرافیایی است که می‌توانند موجب رقابت، همکاری و همگرایی باشند.

راهبرد دفاعی

راهبرد دفاعی طرح و الگویی کلان و جامع است که در آن از طریق کاربرد تجمیعی و تجمیلی ظرفیت‌های نظامی، اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی، اهداف دفاعی ملی کشور محقق می‌شوند (دانش آشتیانی، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

نظریه گسل‌های ژئواستراتژیک فعال در جهان

به نقل از حافظ‌نیا (۱۳۹۵)، در چارچوب پارادایم رقابت استراتژی‌های بحری و بری در جهان، امروزه دو گسل بزرگ ژئواستراتژیک در مقیاس کروی و در غرب و شرق اوراسیا شکل گرفته است که به‌نظر می‌رسد سرچشمه سیاست‌های کنونی در جهان می‌باشند. در واقع سطح تقابل ژئواستراتژیک جهانی در طرفین خشکی اوراسیا قرار دارد. این تقابل‌ها از یک‌سو در شرق و بر سطح گسل خشکی اوراسیا با اقیانوس آرام و از سوی دیگر در غرب و بر سطح گسل قاره‌های اوراسیا با اروپا و آفریقا قرار دارد. انگار که دولت‌های آمریکا و اروپا و متحدین استراتژی بحری به‌عنوان بازیگران استراتژیک پهنه‌های آبی اقیانوس‌های آرام و اطلس و پس‌کرانه‌های آن‌ها، دولت‌های روسیه و چین و متحدین استراتژی بری به‌عنوان بازیگران استراتژیک پهنه خشکی اوراسیا را به محاصره درآورده و به چالش انقباض فضایی می‌کشند. روسیه و چین نیز برای خروج از این چالش و شکستن محاصره و نائل آمدن به انبساط فضایی قلمرو خود، با تمام قوا به مقابله با آن‌ها برخاسته‌اند.

در طرفین هر یک از گسل‌های مزبور بازیگران اصلی قدرت در سطح جهانی وجود دارند؛ یعنی در گسل شرق اوراسیا آمریکا با چین و روسیه و در گسل غرب اوراسیا روسیه با آمریکا و ناتو در حالت تقابل و رقابت ژئواستراتژیک قرار دارند. گسل‌های مزبور نیز دارای فلسفه و ماهیت ژئوپلیتیکی هستند؛ زیرا بازیگران مزبور در تقلا و کشمکش برای قلمروسازی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در فضای کروی و نیز دور کردن رقیب از قلمروهای مفروض و متصور خود می‌باشند. فرایند قلمروسازی (انبساط فضایی) آن‌ها دارای دو بُعد است.

- ۱- جغرافیایی: گسترش فضا از طریق سلطه، الحاق و تصرف سرزمین بیشتر.
 ۲- ژئوپلیتیکی: گسترش قدرت کنترل و حوزه نفوذ در فضاهای جغرافیایی دیگران.

نظریه‌های روابط بین‌الملل

تمام نظریه‌ها و چارچوب‌های فکری عقل‌گرا به‌گونه‌ای دولت ملت را به‌عنوان واحد اصلی و اولیه روابط بین‌الملل مورد تأکید قرار داده‌اند. «عقل‌گرایان معتقدند که جامعه بین‌الملل شامل دولت‌هایی است که رفتارشان به‌وسیله عرف، قانون و تعهداتی محدود می‌شود که در تعاملات میان خود رعایت می‌کنند» (کاظمی، ۱۳۸۰: ۷۴). چه رئالیسم که به‌عنوان پارادایم فکری مسلط در طول جنگ سرد مطرح بود و چه نئورئالیسم «دولت‌ها را مهم‌ترین بازیگران صحنه بین‌الملل و در نتیجه مهم‌ترین واحد تحلیل در تبیین روابط بین‌الملل می‌شناسند؛ از نظر هواداران این دو نظریه، مطالعه روابط بین‌الملل در واقع مطالعه روابط میان دولت‌هاست» (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۸: ۱۱۶).

جایگاه ایران و چین در نظریه‌های ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل

الف) جایگاه ایران در نظریه هارتلند

مکیندر قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را به‌عنوان جزیره جهانی می‌شناخت. جزیره جهانی دوسوم خشکی جهان و هفت‌هشتم جمعیت دنیا را دربرمی‌گیرد. کلید جزیره جهانی ناحیه‌محور یا هارتلند است. هارتلند از غرب به رودخانه واگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به هیمالیا، ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شود (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۳).

از نظر عزتی (۱۳۸۰) کسی که بر هارتلند حاکم شود، بر دنیا مسلط خواهد شد. با نگاهی به ساختار فضایی نظریه هارتلند مشخص می‌شود که مکیندر ایران را در این نظریه به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال یعنی تمام مساحت استان‌های گیلان، مازندران و گلستان به انضمام شمال خراسان و نوار باریکی در شمال آذربایجان جزء هارتلند است (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

ب) جایگاه ایران در نظریه ریملند

این نظریه توسط نیکولاس اسپایکمن ارائه گردید. وی در این نظریه اساس و کلیات نظریه هارتلند را می‌پذیرد، اما به‌جای هارتلند، هلال داخلی را که وی اصطلاحاً سرزمین حاشیه یا ریملند می‌نامد، واجد اهمیت می‌داند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۸۵)

از نظر اسپایکمن، منطقه ریملند کارکرد اصلی را دارد و منشأ اصلی تولید قدرت محسوب می‌شود. این منطقه در قالب یک فضای جغرافیایی دوجبهی که ترکیب آب و خشکی است، قرار می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۴).

از نظر تاریخی، ریملند محل ایجاد قدرت‌های کلاسیک قدیم مانند چین، هند، ایران، عثمانی و روم بوده است. ایران معاصر در این نظریه از آنجاکه جزئی از ریملند است، موضوع رقابت دو قدرت بری و بحری است. ایران به‌عنوان بخش حساس ریملند، میدان رقابتی برای قدرت‌ها است و بدون تردید هر کس این منطقه را کنترل کند، می‌تواند قدرت جهانی را کنترل و بر رقیبان پیروز شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۸۶).

ج) جایگاه ایران و چین در نظریه‌های روابط بین‌الملل

روابط دوجانبه کشورها تحت تأثیر متغیرهای مختلفی است که در سطوح متفاوتی بر آن تأثیر می‌گذارند، متغیرهایی چون تحولات نظام بین‌الملل، جهت‌گیری‌های کلان کشورها در عرصه سیاست خارجی، بازیگران ثالث و تحولات داخلی کشورها بر روابط دوجانبه تأثیر می‌گذارد. روابط ایران و چین نیز از این قاعده مستثنایی نیست، بدان معنا که متغیرهای مختلفی در سطوح متفاوت بر آن تأثیر می‌گذارند. متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر روابط ایران و چین را می‌توان به سه دسته جهت‌گیری کلان سیاست خارجی چین، ارزشمندی دو کشور برای یکدیگر و بازیگران ثالث تقسیم کرد، جهت‌گیری کلان سیاست خارجی چین در وضعیت فعلی در قالب تئوری "ظهور مسالمت‌آمیز"^۱ قرار دارد. در این قالب آنان خود را به‌عنوان قدرتی بزرگ و به‌سرعت در حال رشد تعریف می‌کنند که متعهد به نظم موجود بین‌المللی است و روابط با قدرت‌های بزرگ برای آن از اهمیت وافر برخوردار است، اهمیت روابط با قدرت‌های بزرگ در سیاست خارجی چین، بالطبع بر روابط آن با کشورهایی چون ایران تأثیرات مهمی می‌گذارد. توجه به دو نکته این تأثیرگذاری را روشن‌تر می‌سازد.

به موازات رشد سریع مؤلفه‌های قدرت چین، موقعیت استراتژیک این کشور پیوسته بازتعریف شده است. بازتعریف موقعیت استراتژیک چین و به‌خصوص نیل به استانداردهای قدرت بزرگ، دستور کار سیاست خارجی این کشور را نیز عمیقاً متحول ساخته است. این تحول، ارتقاء روابط با کانون‌های اصلی قدرت و ثروت در جهان را در دستور کار سیاست خارجی چین از اهمیت و اولویت اساسی برخوردار کرده است. ناگفته پیداست که مهم‌ترین این کانون‌ها ایالات متحده و اتحادیه اروپا هستند.

دیگر آنکه ایران در صحنه بین‌المللی کشوری "خاص" به‌شمار می‌آید که سایر بازیگران در تنظیم روابط خود با آن دچار تنگناهای مختلفی هستند. ایران در صحنه بین‌المللی به‌عنوان بازیگری تجدیدنظرطلب و مخالف وضع و نظم موجود تصویر شده است، وضع و نظمی که قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص ایالات متحده تلاش در تداوم آن دارند و در این جهت به هنجارسازی می‌پردازند. به‌علاوه ایران در منطقه‌ای واقع شده که در دوران پس از جنگ سرد و به‌خصوص در وضعیت کنونی، حساس‌ترین منطقه در عرصه سیاست بین‌الملل به‌شمار می‌آید؛ بنابراین وضعیت خاص ایران دلایل "تصویر" و "ژئوپلیتیک"، روابط آن با هر کشوری را از حساسیت بالایی برای قدرت‌های حافظ وضع و نظم موجود و برخوردار می‌سازد. طبیعتاً هنگامی که طرف روابط قدرتی بزرگ باشد، این حساسیت تشدید می‌گردد و به‌انحاء مختلف سعی می‌شود تا این روابط تخریب گردد. از سوی دیگر جایگاه پراهمیت "چندجانبه‌گرایی" و نیز "امنیت انرژی" در سیاست خارجی چین، روابط ایران - چین را واجد ظرفیت‌های مهمی می‌سازد. بر این مبنا در چنین شرایطی، مدیریت روابط ایران با چین به‌عنوان قدرتی بزرگ واجد پیچیدگی‌ها و ظرایف پراهمیتی است. مدیریتی که در آن باید علاوه بر آگاهی از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایران در عرصه بین‌المللی، نگاه طرف مقابل به سیاست بین‌الملل را نیز به‌گونه‌ای واقع‌گرایانه درک کرد تا با ترکیب این دو، روابط دوجانبه را در جهت منافع ملی سوق داد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۵).

مروری بر تحولات معاصر چین مبین این نکته است که این کشور از نظر اقتصادی به‌ویژه در ربع قرن اخیر رشد فراوانی داشته و در تلاش است تا بتواند موقعیت خود را در نظام بین‌الملل از طریق ترجمه قدرت اقتصادی به قدرت نظامی و سیاسی تحقق بخشد. از طرف دیگر یکی از رویکردهای مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، سیاست نگاه به شرق است. اتخاذ این رویکرد، در اولویت سیاست خارجی ایران در پی گذشت یک دهه از قطع روابط دیپلماتیک ایران با ایالات متحده آمریکا و تشدید تحریم‌های گسترده این کشور و نیز اتحادیه اروپا علیه جمهوری

اسلامی ایران است. در این راستا جمهوری اسلامی ایران تلاش نمود تا در جهت تأمین بخشی از آرمان‌ها و اهداف سیاسی خود با اتخاذ این رویکرد جدید، از تک‌قطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد، جلوگیری نماید. در این میان، کشور چین به‌عنوان یک قدرت برتر در نظام بین‌الملل که ماتریس قدرتش همواره در حال اوج گرفتن است و شاخص‌های برتری قدرت خود را در ابعاد مختلف اقتصادی، نفوذ سیاسی و نظامی ارتقاء بخشیده است، مورد توجه دستگاه دیپلماسی ایران قرار گرفت تا از طریق توسعه همکاری با این کانون ثروت و قدرت بین‌المللی، بخشی از اهداف ملی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین شود (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۳۸).

به‌طور کلی بیشتر نظریه‌های روابط بین‌الملل با وجود تعارض‌های فراوان، در این نکته که اتحادها و روابط بین کشورها در واکنش به تهدیدات شکل می‌گیرند، اتفاق نظر دارند و تفاوت اصلی آن‌ها در داخلی و یا خارجی بودن منشأ تهدیدات است.

بر اساس این نظریات، اتحادها را در تعریفی موسع می‌توان روابط مبتنی بر همکاری‌های رسمی و یا غیررسمی بین دو یا مجموعه‌ای از چند دولت دانست که بر مبنای این روابط، دولت‌های متحد، متعهد به اتخاذ مواضع هماهنگ در عرصه مسائل سیاسی، امنیتی و اقتصادی می‌شوند. در همین حال و از سوی دیگر افزایش تدریجی قدرت سیاسی و اقتصادی جمهوری خلق چین در مناسبات جهانی، برخی از تصمیم‌سازان ایرانی را به این جمع‌بندی رسانیده که در قالب دکترین نگاه به شرق می‌توانند سطح جدید و گسترده‌ای از روابط را در قالب اتحاد راهبردی با رهبران پکن، طراحی و تجربه کنند. هرچند در مورد جایگاه چین در نظام جهانی هنوز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اما وجه مشترک همه این دیدگاه‌ها بیانگر این نکته است که جایگاه چین در سلسله‌مراتب قدرت جهانی در حال افزایش است و اگر چین بتواند به آهنگ رشد کنونی خود ادامه دهد تا سال ۲۰۲۰ به ابرقدرتی تمام‌عیار تبدیل خواهد شد که از این منظر بدیهی است اتحاد ایران و چین می‌تواند حامل دستاوردهای بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران باشد (غفاری و شریعتی، ۱۳۸۷: ۷۵).

محیط‌شناسی ایران و چین

الف) موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

کشور ایران در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی در جنوب غرب قاره آسیا (خاورمیانه) قرار گرفته است. نیمروز ۴۴۵ شرقی از غربی‌ترین نقطه ایران (حدود ۵۰ کیلومتری غرب ماکو) و نیمروز ۶۳۱۸ شرقی، از شرقی‌ترین نقطه ایران (حدود ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرقی سراوان) عبور می‌کند.

همچنین مدار ۲۵۳ شمالی از جنوبی‌ترین نقطه ایران (حدود ۸۵ کیلومتری جنوب شرقی چابهار) و مدار ۳۹۴۷ شمالی از شمالی‌ترین نقطه ایران (حدود ۸۰ کیلومتری شمال ماکو) می‌گذرد (بختیاری، ۱۳۸۵: ۱۸). مساحت کشور ایران $۱/۶۴۸/۱۹۵$ کیلومتر مربع می‌باشد که از نظر وسعت، هفدهمین کشور جهان بوده و حدود یک‌بیست و هفتم قاره آسیا و حدود یک‌نودم وسعت خشکی‌های جهان را شامل می‌شود (همان).

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران با انزوآگرایی سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال را به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۹). موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته، ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی، مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی، مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه (خائن)، ایران که یکی از متحدان آمریکا و غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد. از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). یکی از مهم‌ترین این موارد، عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک و در رأس آن ژئوپلیتیک اسلامی - شیعی می‌باشد. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلام و در قلب جهان تشیع، واقع شده است که در ترکیب با عوامل و عناصر ژئوپلیتیک مهم دیگری چون ژئوپلیتیک انرژی، ژئوپلیتیک دسترسی و ژئوپلیتیک سلطه موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس را در خود می‌بیند. این موقعیت باعث شده است تا تحولات ایران در مرکز توجهات قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه باشد که در ترکیب با سابقه تاریخی ملت ایران و ظرفیت‌های ملی، چرخه و سیکل تغییرات، موقعیت ژئوپلیتیک بسیار سریعی را برای آن به دنبال داشته است.

ب) موقعیت ژئوپلیتیکی چین

کشور چین در آسیای شرقی و بین کشورهای کره شمالی و ویتنام قرار دارد و مساحت آن بیش از ۹۵۹۷۰۰۰ کیلومتر مربع است. چین دارای مرز زمینی با ۱۴ کشور است. طول مرزهای خشکی چین به حدود ۲۲ هزار و ۸۰۰ کیلومتر می‌رسد. چین از شرق با کره شمالی، از شمال با مغولستان، از شمال شرق با روسیه، از شمال غرب با قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، از غرب و جنوب غرب با افغانستان، پاکستان، هند، نپال، بوتان و چند کشور دیگر هم‌جوار است و از شرق و جنوب شرق با کره جنوبی، ژاپن، فیلیپین، برونئی، مالزی و اندونزی مرز دریایی دارد (chian abc, 2002).

این کشور همچنین از سمت شرق و جنوب با دریای چین شرقی، خلیج کره، دریای زرد و دیگر آب‌های آزاد احاطه شده است. زمین‌های این کشور بیشتر کوهستانی بوده و دارای فلات‌های وسیع و زیادی می‌باشد، البته در منطقه غرب زمین‌های بیابانی و همچنین در منطقه شرق این کشور جلگه‌ها و دلتاهای همواری وجود دارد. زغال‌سنگ، سنگ آهن، نفت خام، گاز طبیعی، جیوه، قلع، کروم، سنگ سرمه (توتیای معدنی) منگنز، آهن مغناطیسی، سرب، روی، وانادیوم، آلومینیوم و اورانیوم از منابع طبیعی کشور چین به شمار می‌روند. آب‌وهوای این کشور بسیار متنوع می‌باشد از مناطق گرمسیر و بارانی در جنوب تا بسیار سردسیر شمال را شامل می‌شود، طوفان‌های موسمی (در حدود ۵ مورد در سال) در امتداد سواحل جنوبی و شرقی، سیل‌های مخرب، سونامی، زلزله، رانش زمین و خشک‌سالی از بلایای طبیعی منطقه چین هستند. فصل‌های بهار و پاییز مناسب‌ترین زمان‌های سفر به چین هستند، درحالی‌که مناطق شمالی چین در اکثر فصل‌ها دارای سرما و یخبندان شدید هستند. کشور چین در اواسط تابستان بیشترین توریست را به خود جذب می‌کند، در شهرهای مرکزی تابستان گرم و شرجی از اواخر بهار تا اوایل شهریور ادامه دارد و این در حالی است که در این زمان در مناطق سردسیر و شمالی چین بارش‌های موسمی بسیار زیاد است. فصل توفانی در سواحل شمال شرق چین از اوایل مرداد تا اواخر شهریور است. چین چشم‌انداز طبیعی متنوعی دارد، از استپ‌های جنگلی و بیابان‌های یرنس چون گبی و تکلّه مکان در ناحیه خشک شمالی نزدیک به مغولستان و سیبری روسیه گرفته تا جنگل‌های زیر گرمسیری در سرزمین‌های مرطوب جنوبی نزدیک به ویتنام، لائوس و برمه. مناطق غربی کشور ناهموار است و رشته‌کوه‌های هیمالیا و تیان شان مرز طبیعی آن را با هند و آسیای میانه ترسیم می‌کنند. در مقابل، نواحی شرقی این کشور کم ارتفاع است و با ساحلی به طول ۱۴۵۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرقی با دریای جنوب چین و در شرق با دریای شرق چین همسایه است که در سوی دیگرش تایوان، کره و ژاپن قرار گرفته‌اند.

چین یکی از قدرت‌هایی است که موقعیت آن با سرعتی شگفت‌انگیز در سیاست بین‌الملل در حال ارتقاء است (ابراهیمی‌فر و هدایتی، ۱۳۹۳: ۷). چین در کنار رشد اقتصادی، بخش عمده‌ای از توان فکری و مادی خود را صرف پاسخ‌گویی به چالش‌هایی در سطوح گوناگون کرده است که در حالت عادی، عدم‌مدیریت آن‌ها می‌تواند روندهای تحول و رشد را دگرگون کند. با پذیرش این اصل بدیهی در فرایند توسعه که ثبات و آرامش، پیش‌نیاز اولیه و ضروری حرکت به سمت شکوفایی و رونق است. نخبگان حاکم در چین تلاش کرده‌اند تا این ثبات و آرامش را در سطوح

گونگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای اهداف خود مهیا سازند. سطح منطقه‌ای که چین در آن واقع شده از دیرباز محل منازعه و ظهور چالش‌های عمده‌ای بوده است؛ چالش‌هایی که بخش عمده آن ماحصل دوران جنگ سرد و رقابت ابرقدرت‌ها بوده و بخش دیگر آن نتیجه تحولات و دگرگونی‌های درون منطقه‌ای است.

این چالش‌ها در مقاطع مختلف بخشی از جریان سیاست‌گذاری در نظام کمونیستی چین را به خود مشغول داشته است؛ زیرا عدم‌مدیریت آن‌ها با اهداف و رویه در پیش گرفته شده توسط چین در تضمین امنیت اقتصادی و فراتر از آن امنیت فراگیر، هم‌خوانی نداشته است.

منطقه شرق آسیا که از دو حوزه ژئوپلیتیکی شمال شرق (چین، ژاپن و شبه‌جزیره کره) و جنوب شرق آسیا (کشورهای عضو آ.سه.آن) سامان می‌یابد، بنا به ویژگی‌های فرهنگی، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده و در همین راستا مداخلات فرامنطقه‌ای در کنار گسل‌های منازعه درون منطقه‌ای، عاملی برای تقویت بی‌ثباتی و فقدان امنیت بوده است، امنیت و ثباتی که برای بسیاری از کشورهای این منطقه از جمله چین که رشد اقتصادی را تجربه می‌کند، به مثابه عنصر جوهری پیشرفت تلقی می‌شود؛ بنابراین در این شرایط، حساسیت‌ها و دغدغه‌های نظام سیاسی حاکم بر چین برای مدیریت جریان‌ها و روندهای منازعه خیز که به‌ویژه در بعد ژئوپلیتیک تحت‌عنوان چالش از آن‌ها یاد می‌شود، در دکترین‌ها، راهبردها و سیاست‌گذاری‌ها، نمود می‌یابد و از آن جهت تفکر یا دکترین ظهور مسالمت‌آمیز در آغاز هزاره جدید نمونه‌ای از آن است (سازمند و ارغوانی، ۱۳۹۱: ۱۴۸-۱۴۷).

چین بزرگ‌ترین ذخایر منابع فلزهای کمیاب را در خود دارد و هم‌چنین ۹۷ درصد از تأمین نیازهای جهان، تحت کنترل این کشور است. اگر تخمین‌های اولیه درست باشد، اقتصاد روبه‌رشد چین، با نیاز روزافزون به ذخایر نفت و گاز آسیای مرکزی روبرو است که البته دسترسی به این منابع، مستلزم دسترسی بدون محدودیت به خطوط لوله نفت و گاز است.

از زمان پایان جنگ سرد، رشد گسترده اقتصاد چین و شوک تقاضای انرژی ناشی از آن بزرگ‌ترین تغییر نظام انرژی را ایجاد کرده است. بخش انرژی چین به دلیل ساختار صنعتی و نظارتی به‌شدت ناکارآمد خود به‌طور فزاینده‌ای - بین ۵۳ تا ۵۸ درصد و بیشتر - به واردات، آن‌هم عمدتاً از خاورمیانه وابسته شده است. چین برای تأمین حدود ۳۲ درصد از گاز طبیعی خود به واردات وابسته است. استرالیا، قطر، مالزی و اندونزی بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان گاز طبیعی مایع از طریق دریایی برای کشور چین به‌شمار می‌روند، درحالی‌که ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و برمه گاز

طبیعی چین را از طریق خطوط لوله انتقال تأمین می‌کنند (مرکز رصد راهبردی اندیشکده‌های استراتژیک، ۱۳۸۴).

مقوله بعدی در برجستگی موقعیت چین در سطح منطقه به‌نظام سیاسی کشور اشاره دارد. با وجود آنکه کشورهایی هم‌چون کره شمالی و ویتنام نیز نظام سیاسی کمونیستی را در خود حاکم می‌بینند اما قدرت چندوجهی چین در حوزه‌های موضوعی گوناگون باعث شده تا این ذهنیت غلبه یابد که قرارگیری این منابع قدرت در اختیار رژیم‌هایی که اولاً اقتدارگراست و ثانیاً از نوع و ماهیت سایر نظام‌های سیاسی در سطح منطقه متفاوت است. در نهایت می‌تواند موجب اقدامات غیرمنتظره و غیرعقلانی باشد. سومین عامل وسعت جغرافیایی و حائل بودن حوزه سرزمینی چین میان چندین زیرسیستم در منطقه شرق آسیا است. این کشور با مسافتی نزدیک به ده میلیون کیلومتر مربع به‌گونه‌ای واقع شده که می‌تواند هم‌زمان تحولات حوزه‌های ژئوپلیتیکی جنوب شرق، شمال شرق آسیا و زیرسیستم هند و چین را رصد کند. این موقعیت ویژه سبب شده است تا تکوین و تداوم هرگونه مسئله یا بحران در سطوح گوناگون منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه ژئوپلیتیک برای این کشور حائز اهمیت گردد و از این رو با تداوم رشد اقتصادی خیره‌کننده و لزوم تأمین ثبات و تنش‌زدایی، برقراری امنیت و جلوگیری از تصور منفی و تهدید از این کشور در نزد همسایگان با جدیت خاصی از سوی پکن دنبال می‌شود. باین‌حال، گوناگونی و تنوع این چالش‌ها (ژئوپلیتیک) در سال‌های اخیر مهم‌ترین مانع در برابر دکترین‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی چین بوده است (سازمند و ارغوانی، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۳).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای می‌باشد، زیرا محققین قصد بررسی و احصای دغدغه‌های مشترک جمهوری اسلامی ایران و و سنجش تأثیر آن بر روابط دو جانبه آن‌ها را دارند و روش پژوهش در این مطالعه، توصیفی - تحلیلی است.

جامعه آماری پژوهش حاضر که در گردآوری داده‌ها و موارد و مشکلات موجود در مطالعات اکتشافی، در حل مسئله، پژوهشگر را هدایت و یاری می‌دهند، خبرگان و صاحب‌نظرانی هستند که در حوزه‌های جغرافیای سیاسی و دیپلماسی دفاعی خبره بوده و دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد به بالا و حداقل ۱۵ سال سابقه کار در سطوح راهبردی هستند. چنین افرادی با این ویژگی محدود و در مجموع ۳۵ نفر بودند، بنابراین حجم نمونه بر حجم جامعه منطبق و نمونه‌گیری هدفمند و تمام‌شمول بوده است.

در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده گردیده است. به این صورت که طبق مطالعات اکتشافی دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین احصاء و تعیین گردید و بر این اساس اقدام به سنجش تاثیر آن‌ها بر روابط دوجانبه گردید.

ابزارهای گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل مصاحبه، پرسشنامه و اسناد و مدارک معتبر مندرج در کتاب‌ها، مقاله‌های علمی- پژوهشی و سایت‌های اینترنتی است. به این صورت که در مرحله اول، به‌منظور غنی‌نمودن ادبیات پژوهش و پر نمودن خلاء اطلاعاتی ناشی از مطالعات کتابخانه‌ای، از طریق مصاحبه عمیق با ۱۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان، اطلاعات لازم جمع‌آوری و اشباع نظری حاصل گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در مرحله دوم پرسشنامه بسته است. داده‌های این پژوهش به‌صورت کیفی و کمی تجزیه و تحلیل شدند و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون کای دو (خی‌دو/ کای اسکوئر دو متغیری) استفاده شده است.

«در این تحقیق برای تعیین روایی^۱ (اعتبار) پرسشنامه‌ها از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. اعتبار محتوا نوعی اعتبار است که معمولاً برای بررسی اجزای تشکیل‌دهنده یک ابزار اندازه‌گیری به‌کاربرده می‌شود (سرمد، ۱۳۹۲: ۱۷۱). برای بالا بردن پایایی در این تحقیق پرسشنامه‌ها بین ۱۰ نفر خبره تقسیم شد و پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها از طریق آلفای کرونباخ ضریب پایایی محاسبه گردید. در این تحقیق شاخص آلفای کرونباخ «۰.۸۶» محاسبه شده است. بنابراین همبستگی درونی بین سوالات و همگن بودن آن‌ها تایید گردید.

پس از طی مراحل بالا، پرسشنامه‌ها به تعداد ۳۵ نسخه تهیه و در اختیار خبرگان منتخب قرار گرفت. متغیرهای این تحقیق، شامل دغدغه‌های مشترک ایران و چین می‌باشند که در ادامه‌ی تحقیق پژوهشگران به احصای آن‌ها خواهد پرداختند. در این پژوهش، دغدغه‌های مشترک ایران و چین به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و تاثیر مثبت آن بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران متغیر وابسته در پژوهش حاضر می‌باشند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و چین کدام‌اند؟ و چه تاثیری بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارند؟

در پیشینه نظری و عملی و محیط‌شناسی، دغدغه‌های ژئوپلیتیکی هرکدام از کشورهای جمهوری اسلامی ایران و چین به صورت مستقل، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان آورده شده است. در ادامه از بین دغدغه‌های ژئوپلیتیکی هرکدام از این دو کشور، دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط دوجانبه احصاء گردیده‌اند. در این بخش دغدغه‌های مزبور در پنج حوزه اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و نظامی دسته‌بندی و به شرح جدول زیر (جدول شماره ۱) تجزیه و تحلیل ارائه می‌گردند:

جدول ۱. دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین

ردیف	شرح دغدغه‌ها	حوزه
۱	اتباع ایرانی و چینی در خارج از کشورهای خود به عنوان مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری	اجتماعی فرهنگی
۲	روندهای نوسازی اقتصادی و تحول اجتماعی در سراسر جهان انسان‌ها را از هویت دیرینه و بومی‌شان جدا می‌کند. این روندها همچنین دولت- ملت‌ها را به مثابه یک منشأ هویت، تضعیف می‌کند.	
۳	شکاف‌های هویتی در منطقه آسیای جنوب غربی	
۴	توسعه و گسترش هویت‌گرایی محلی، منطقه‌ای، ملی و قومی در منطقه آسیای جنوب غربی	
۵	«امنیت انرژی» و چشم‌انداز آن	اقتصادی
۶	اتکای چین و ایران به دریاها برای انتقال انرژی و صادرات کالا	
۷	اختلافات بر سر نفت در منطقه آسیای جنوب غربی	
۸	چنانچه رشد کنونی اقتصادی ایران و مخصوصاً چین همچنان ادامه یابد، باید خود را برای مقابله با پیامدهای سیاسی و اقتصادی این موضوع آماده کنند.	
۹	خطوط دریایی نقل و انتقال کالا و انرژی به عنوان مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری	
۱۰	کاهش روابط چین و آمریکا و قطع مسیر تأمین انرژی چین توسط ایالات متحده و هم‌پیمانانش	
۱۱	نظام انرژی زیرمجموعه نظام جهانی بزرگ‌تری است که تحت کنترل آمریکاست.	
۱۲	امنیت و ثباتی که برای ایران و چین که رشد اقتصادی را تجربه می‌کند، به مثابه عنصر جوهری پیشرفت تلقی می‌شود.	امنیتی

ردیف	شرح دغدغه‌ها	حوزه	
۱۳	امنیتی کردن ایران توسط آمریکا		
۱۴	ایجاد ائتلاف‌های ناپایدار در منطقه آسیای جنوب غربی		
۱۵	ایالات متحده تمایل چندانی برای افزایش درآمدهای اقتصادی ایران ندارد.		
۱۶	توسعه و گسترش بی‌نظمی، ناامنی، فقدان و یا ضعف مدیریت و کنترل منسجم بر فرآیندهای منطقه‌ای یا جهانی.		
۱۷	توسعه و گسترش تروریسم ملی و بین‌المللی		
۱۸	جنگ‌های اطلاعاتی رو به گسترش آثار منفی گسترده‌ای بر امنیت ایران و چین می‌گذارند.		
۱۹	چین همچنان نظم جهانی را- هرچند با بی‌میلی- در بیشتر ابعاد می‌پذیرد.		
۲۰	حفظ صلح جهان و ثبات منطقه‌ای		
۲۱	رصد تحولات حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف توسط هر دو کشور ایران و چین به سبب موقعیت استراتژیکی که دارند.		
۲۲	رقابت‌های درون منطقه‌ای و مداخلات فرامنطقه‌ای همواره ایران و چین را به‌عنوان یک طرف موضوع، درگیر ساخته است.		
۲۳	رقابت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی در صحنه ژئواستراتژیک آسیا		
۲۴	روندهای امنیتی منطقه‌ای		
۲۵	سیاست خشن نسبت به قومیت‌ها در منطقه آسیای جنوب غربی		
۲۶	ظهور و رشد بازیگران جدید در منطقه آسیای جنوب غربی		
۲۷	عدم توازن قدرت در منطقه آسیای جنوب غربی		
۲۸	قراردگیری تقریبی ایران و چین در محور اکثر معضلات ژئوپلیتیک منطقه آسیای جنوب غربی		
۲۹	کشمکش‌ها برای برتری جویی منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوب غربی		
۳۰	هر نوع تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی اسلامی		
۳۱	افزایش آسیب‌پذیری‌های منافع ایران و چین از ناحیه تحولات جهانی و منطقه‌ای		سیاسی
۳۲	بی‌ثباتی سیاسی		
۳۳	تروریسم و انقلاب رنگی		
۳۴	جایگزین کردن مسیر دیگری به‌جای ایران برای جاده ابریشم توسط رقبای بین‌المللی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران		
۳۵	حساسیت‌ها و دغدغه‌های نظام سیاسی حاکم بر ایران و چین برای مدیریت جریان‌ها و روندهای منازعه‌خیز منطقه آسیای جنوب غربی		
۳۶	خطوط گسل میان تمدن‌ها به‌عنوان نقاط بروز بحران و خون‌ریزی، جانسین مرزهای سیاسی		

ردیف	شرح دغدغه‌ها	حوزه
	و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد می‌شود.	
۳۷	رقابت شدید قدرت‌های مدعی گسترش حوزه نفوذ در منطقه آسیای جنوب غربی	
۳۸	استفاده از ایران به عنوان پل توسط قدرت‌های بزرگ و به عنوان کارکردی برای پیروزی‌های راهبردی	نظامی
۳۹	آمریکا در پی مهار کردن توان نظامی پکن و تهران است.	
۴۰	تسلط الگوی رقابتی بر روابط بین کشورهای منطقه خلیج فارس	
۴۱	تسلط آمریکا بر خاورمیانه	
۴۲	توسعه و گسترش تجاوز نظامی در منطقه آسیای جنوب غربی	
۴۳	حضور عامل مداخله‌گر خارجی در منطقه خلیج فارس	
۴۴	حضور نیروی دریایی آمریکا در سواحل کشورهای متحد آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی	
۴۵	دزدان دریایی	

پس از این مرحله، در قالب پرسشنامه محقق ساخته، دغدغه‌های دسته‌بندی شده به ۳۵ نفر از حجم نمونه به منظور تعیین مهم‌ترین آن‌ها ارائه گردید و از آن‌ها خواسته شد تأثیر هر کدام از این گویه‌ها را در روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و چین بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) تعیین نمایند که در نهایت ۳۵ پاسخنامه جمع‌بندی گردید.

باتوجه به این نکته که یکی از سؤالات تحقیق معطوف به اولویت‌بندی مهم‌ترین دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و چین است، دغدغه‌های ژئوپلیتیکی حاصل از جمع‌بندی پاسخنامه‌ها به شرح جدول زیر (جدول شماره ۲) اولویت‌بندی گردیدند.

جدول ۲. اولویت‌بندی دغدغه‌های ژئوپلیتیک مشترک مؤثر بر روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و چین

اولویت	دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین	میانگین
۱	تسلط آمریکا بر خاورمیانه	۴/۹
۲	توسعه و گسترش تجاوز نظامی در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۹
۳	حضور نیروی دریایی آمریکا در سواحل کشورهای متحد آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۹

اولویت	دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین	میانگین
۴	اتکای چین و ایران به دریاها برای انتقال انرژی و صادرات کالا	۴/۸
۵	کاهش روابط چین و آمریکا و قطع مسیر تأمین انرژی چین توسط ایالات متحده و هم‌پیمانانش	۴/۸
۶	چین هم‌چنان نظم جهانی را - هرچند با بی‌میلی - در بیشتر ابعاد می‌پذیرد.	۴/۸
۷	افزایش آسیب‌پذیری‌های منافع ایران و چین از ناحیه تحولات جهانی و منطقه‌ای	۴/۸
۸	جایگزین کردن مسیر دیگری به جای ایران برای جاده ابریشم توسط رقبای بین‌المللی و منطقه‌ای ج.ا.ایران	۴/۸
۹	حساسیت‌ها و دغدغه‌های نظام سیاسی حاکم بر ایران و چین برای مدیریت جریان‌ها و روندهای منازعه خیز منطقه آسیای جنوب‌غربی	۴/۸
۱۰	آمریکا در پی مهار کردن توان نظامی پکن و تهران است.	۴/۸
۱۱	حضور عامل مداخله‌گر خارجی در منطقه خلیج فارس	۴/۸
۱۲	دزدان دریایی	۴/۸
۱۳	«امنیت انرژی» و چشم‌انداز آن	۴/۷
۱۴	اختلافات بر سر نفت در منطقه آسیای جنوب‌غربی	۴/۷
۱۵	خطوط دریایی نقل و انتقال کالا و انرژی به‌عنوان مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری	۴/۷
۱۶	کشمکش‌ها برای برتری جوی منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوب‌غربی	۴/۷
۱۷	هر نوع تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی اسلامی	۴/۷
۱۸	بی‌ثباتی سیاسی	۴/۷
۱۹	تروریسم و انقلاب رنگی	۴/۷
۲۰	استفاده از ایران به‌عنوان پل توسط قدرت‌های بزرگ و به‌عنوان کارکردی برای پیروزی‌های راهبردی	۴/۷
۲۱	تحولات حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف توسط هر دو کشور ایران و چین به سبب موقعیت استراتژیکی که دارند.	۴/۶
۲۲	رقابت‌های درون منطقه‌ای و مداخلات فرامنطقه‌ای همواره ایران و چین را به‌عنوان یک‌طرف موضوع، درگیر ساخته است.	۴/۶
۲۳	رقابت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی درصحنه ژئواستراتژیک آسیا	۴/۶
۲۴	قرارگیری تقریبی ایران و چین در محور اکثر معضلات ژئوپلیتیک منطقه آسیای جنوب‌غربی	۴/۶
۲۵	امنیت و ثباتی که برای ایران و چین که رشد اقتصادی را تجربه می‌کند، به‌مثابه عنصر جوهری پیشرفت تلقی می‌شود.	۴/۵
۲۶	جنگ‌های اطلاعاتی رو به گسترش آثار منفی گسترده‌ای بر امنیت ایران و چین می‌گذارند.	۴/۵
۲۷	حفظ صلح جهان و ثبات منطقه‌ای	۴/۵

اولویت	دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین	میانگین
۲۸	روندهای امنیتی منطقه‌ای	۴/۵
۲۹	عدم توازن قدرت در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۵
۳۰	تسلط الگوی رقابتی بر روابط بین کشورهای منطقه خلیج فارس	۴/۵
۳۱	نظام انرژی زیرمجموعه نظام جهانی بزرگ‌تری است که تحت کنترل آمریکاست.	۴/۴
۳۲	ایجاد ائتلاف‌های ناپایدار در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۴
۳۳	توسعه و گسترش تروریسم ملی و بین‌المللی	۴/۴
۳۴	خطوط گسل میان تمدن‌ها به‌عنوان نقاط بروز بحران و خونریزی، جانشین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد می‌شود.	۴/۴
۳۵	رقابت شدید قدرت‌های مدعی گسترش حوزه نفوذ در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۴
۳۶	توسعه و گسترش هویت گرای محلی، منطقه‌ای، ملی و قومی در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۳
۳۷	چنانچه رشد کنونی اقتصادی ایران و مخصوصاً چین همچنان ادامه یابد، باید خود را برای مقابله با پیامدهای سیاسی و اقتصادی این موضوع آماده کنند.	۴/۳
۳۸	امنیتی کردن ایران توسط آمریکا	۴/۳
۳۹	ظهور و رشد بازیگران جدید در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۳
۴۰	ایالات متحده تمایل چندانی برای افزایش درآمدهای اقتصادی ایران ندارد.	۴/۲
۴۱	شکاف‌های هویتی در منطقه آسیای جنوب غربی	۳/۸
۴۲	توسعه و گسترش بی‌نظمی، ناامنی، فقدان و یا ضعف مدیریت و کنترل منسجم بر فرآیندهای منطقه‌ای یا جهانی.	۳/۷
۴۳	سیاست خشن نسبت به قومیت‌ها در منطقه آسیای جنوب غربی	۳/۴
۴۴	روندهای نوسازی اقتصادی و تحول اجتماعی در سراسر جهان انسان‌ها را از هویت دیرینه و بومی‌شان جدا می‌کند. این روندها همچنین دولت-ملت‌ها را به‌مثابه یک منشأ هویت، تضعیف می‌کند.	۳/۳

با استفاده از اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲، عواملی که درجه امتیاز ۴/۵ به بالا را دریافت نموده‌اند (امتیاز خیلی زیاد) انتخاب و در جدول زیر (جدول شماره ۳) به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط ایران و چین ارائه می‌گردند.

جدول ۳. مهم‌ترین دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین

اولویت	مهم‌ترین دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین	امتیاز
۱	تسلط آمریکا بر خاورمیانه	۴/۹
۲	توسعه و گسترش تجاوز نظامی در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۹
۳	حضور نیروی دریایی آمریکا در سواحل کشورهای متحد آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۹
۴	انکای چین و ایران به دریاها برای انتقال انرژی و صادرات کالا	۴/۸
۵	کاهش روابط چین و آمریکا و قطع مسیر تأمین انرژی چین توسط ایالات متحده و هم‌پیمانانش	۴/۸
۶	چین همچنان نظم جهانی را- هرچند با بی‌میلی- در بیشتر ابعاد می‌پذیرد	۴/۸
۷	افزایش آسیب‌پذیری‌های منافع ایران و چین از ناحیه تحولات جهانی و منطقه‌ای	۴/۸
۸	جایگزین کردن مسیر دیگری به جای ایران برای جاده ابریشم توسط رقبای بین‌المللی و منطقه‌ای ج.ا.ایران	۴/۸
۹	حساسیت‌ها و دغدغه‌های نظام سیاسی حاکم بر ایران و چین برای مدیریت جریان‌ها و روندهای منازعه خیز منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۸
۱۰	آمریکا در پی مهار کردن توان نظامی پکن و تهران است	۴/۸
۱۱	حضور عامل مداخله‌گر خارجی در منطقه خلیج فارس	۴/۸
۱۲	دزدان دریایی	۴/۸
۱۳	«امنیت انرژی» و چشم‌انداز آن	۴/۷
۱۴	اختلافات بر سر نفت در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۷
۱۵	خطوط دریایی نقل و انتقال کالا و انرژی به‌عنوان مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری	۴/۷
۱۶	کشمکش‌ها برای برتری‌جویی منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۷
۱۷	هر نوع تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی اسلامی	۴/۷
۱۸	بی‌ثباتی سیاسی	۴/۷
۱۹	تروریسم و انقلاب رنگی	۴/۷
۲۰	استفاده از ایران به‌عنوان پل توسط قدرت‌های بزرگ و به‌عنوان کارکردی برای پیروزی‌های استراتژیک	۴/۷
۲۱	تحولات حوزه‌های ژئوپلیتیکی مختلف توسط هر دو کشور ایران و چین به سبب موقعیت استراتژیکی که دارند	۴/۶
۲۲	رقابت‌های درون منطقه‌ای و مداخلات فرا منطقه‌ای همواره ایران و چین را به‌عنوان یک‌طرف موضوع، درگیر ساخته است	۴/۶
۲۳	رقابت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی در صحنه ژئواستراتژیک آسیا	۴/۶
۲۴	قرارگیری تقریبی ایران و چین در محور اکثر معضلات ژئوپلیتیکی منطقه آسیای جنوب غربی	۴/۶

آزمون فرض پژوهش

H_1 : دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک ایران و چین بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران تأثیر مثبت دارند.

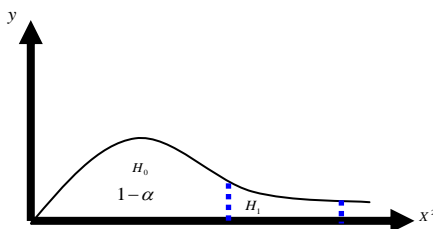
H_0 : دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک ایران و چین بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران تأثیر مثبت ندارند.

در آزمون استقلال فرض H_0 همیشه نشان‌دهنده استقلال دو متغیر و فرض H_1 نقیض آن است. برای سنجش این فرضیه شاخص‌ها یا مُعرف‌هایی که بیانگر دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک ایران و چین هستند به صورت سؤال در پرسشنامه تحقیق به شرح زیر طرح شدند (این دغدغه‌ها در پاسخ به سؤال یکم احصاء شده‌اند) و به ۳۵ نفر از خبرگان ارائه گردید و پاسخ حجم نمونه به پرسش‌های آزمون فرضیه یکم جمع‌بندی شدند.

از نتایج جمع‌بندی این پرسش‌نامه فراوانی‌های مشاهده‌شده (F_0) بیانگر تعداد خبرگانی است که پرسشنامه به آن‌ها ارائه شده است و داده‌ها برحسب مقیاس اسمی می‌باشند، بنابراین می‌توان از آزمون کای (X^2) یک متغیری استفاده کنیم. برای انجام این آزمون فراوانی‌های مورد انتظار (F_e) را از تقسیم کل افراد بر تعداد گزینه‌ها به دست آمده است.

جدول ۴. محاسبه آزمون کای دو پاسخ‌های مطرح‌شده فرضیه اول تحقیق

گزینه‌ها	F_0	F_e			
خیلی زیاد	۲۶	۷	۱۹	۳۶۱	۵۱/۶
زیاد	۷	۷	۰	۰	۰
تا حدودی	۱	۷	-۶	۳۶	۵/۱
کم	۱	۷	-۶	۳۶	۵/۱
خیلی کم	۰	۷	-۷	۴۹	۷
جمع	۳۵	۳۵	-	-	۶۸/۸



در این فرمول df درجه آزادی و k تعداد گزینه‌ها می‌باشد. بنابراین درجه آزادی ۴ می‌باشد. با توجه به اینکه عدد جدول استاندارد برای درجه آزادی ۴ و ۰.۵٪ خطا (۹۵٪ اطمینان)، ۹/۴۹ می‌باشد و چون عدد کای دو محاسبه شده (۶۸/۸)، از عدد جدول استاندارد بیشتر است، می‌توان نتیجه گرفت که بین گزینه‌ها (خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم، خیلی کم) تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. پس می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵٪ دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک ایران و چین بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران تأثیر دارند.

برای محاسبه درجه یا میزان روابط، یکی از شاخص‌ها، استفاده از شاخص کرامر است. ضریب کرامر یکی از شاخص‌های ارتباط متغیرهاست که درجه یا میزان ارتباط را نشان می‌دهد.

در این فرمول n معادل حجم نمونه و k حداقل تعداد سطرها و یا ستون‌ها است (هرکدام کمتر باشد، منظور می‌گردد. برای نمونه اگر تعداد ردیف‌ها ۴ و تعداد ستون‌ها ۵ باشد، تعداد ردیف‌ها، یعنی ۴ در نظر گرفته می‌شود و بنابراین ۱-۴ خواهد بود). با این توضیح عدد شاخص کرامر طبق فرمول مزبور ۰.۲۳٪ است. یعنی میزان تأثیر دغدغه‌های مشترک ژئوپلیتیکی ایران و چین بر راهبردهای دفاعی ج.ا.ایران ۰.۲۳٪ است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

در پاسخ به سوال‌های پژوهش مبنی بر اینکه "دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک مؤثر بر روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و چین کدام‌اند؟ و اولویت‌بندی دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین که بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی تأثیر مثبت دارد، چیست؟"، همان‌طور که در قسمت تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط بیان شد، دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک متعددی احصا و به جامعه خبره ارائه گردیدند و در این راستا از آن‌ها خواسته شد که طبق جداول گزینه‌ها را انتخاب نمایند.

پس از طی این مرحله مهم‌ترین دغدغه‌های ژئوپلیتیکی مشترک جمهوری اسلامی ایران و چین که به نظر می‌رسید در روابط دوجانبه مؤثر واقع گردند و بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی موثرند، به ترتیب اولویت تعیین شدند که به شرح زیر می‌باشند:

۱) تسلط آمریکا بر خاورمیانه

۲) توسعه و گسترش تجاوز نظامی در منطقه آسیای جنوب غربی

۳) حضور نیروی دریایی آمریکا در سواحل کشورهای متحد آمریکا در منطقه آسیای جنوب غربی

۴) اتکای چین و ایران به دریاها برای انتقال انرژی و صادرات کالا

۵) چین همچنان نظم جهانی را - هرچند با بی‌میلی - در بیشتر ابعاد می‌پذیرد

۶) افزایش آسیب‌پذیری‌های منافع ایران و چین از ناحیه تحولات جهانی و منطقه‌ای

۷) جایگزین کردن مسیر دیگری به‌جای ایران برای جاده ابریشم توسط رقبای بین‌المللی و منطقه‌ای ج.ا.ایران

۸) آمریکا در پی مهار کردن توان نظامی پکن و تهران است

۹) حضور عامل مداخله‌گر خارجی در منطقه خلیج فارس

۱۰) دزدان دریایی

۱۱) «امنیت انرژی» و چشم‌انداز آن

۱۲) اختلافات بر سر نفت در منطقه آسیای جنوب غربی

۱۳) خطوط دریایی نقل و انتقال کالا و انرژی به‌عنوان مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری

۱۴) کشمکش‌ها برای برتری جویی منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوب غربی

۱۵) هر نوع تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی اسلامی

۱۶) بی‌ثباتی سیاسی

۱۷) رقابت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی در صحنه ژئواستراتژیک آسیا

ب) پیشنهاد

جهت‌گیری و رویکرد چین از آغاز دوران اصلاحات در این کشور (اواخر دهه ۱۹۷۰) تاکنون همچنان بر «توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی» قرار داشته است. با تداوم تسلط این راهبرد کلان بر حیات سیاسی چین در هر دو عرصه داخلی و خارجی، طبیعتاً چارچوب رفتاری این کشور در این عرصه‌ها توسط آن تعیین می‌شود.

بر این اساس، از منظر چین، کشورهایی که دارای ظرفیت‌های اقتصادی کمک به این روند برای چین هستند، در اولویت توجه سیاستمداران این کشور قرار دارند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که:

- (۱) با توجه به ترکیب ژئوپلیتیک، قابلیت‌ها و نیز محدودیت‌های، جمهوری اسلامی ایران باید به بخشی از دغدغه‌های چین پاسخ دهد.
- (۲) جمهوری اسلامی ایران ایران، به‌عنوان کشوری که دارای ذخایر غنی نفت و گاز است می‌تواند برآورد کننده نیازهای چین باشد.
- (۳) در حوزه نظام بین‌الملل، هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و چین، نظم موردنظر ایالات متحده را نپذیرفته و تلاش دارند تا این نظم را تغییر دهند. در این چارچوب، این دو کشور می‌توانند مکمل یکدیگر محسوب شده و حوزه‌های همکاری خود را گسترش دهند.
- (۴) جمهوری اسلامی ایران دارنده دومین ذخایر نفتی و گازی جهان است و چین به‌سرعت به مصرف‌کننده عمده انرژی تبدیل می‌شود بنابراین به این مسئله در روابط دوجانبه با چین بایستی توجه شود.
- (۵) حوزه انرژی، از مهم‌ترین حوزه‌های شکل‌دهنده روابط جمهوری اسلامی ایران و چین است؛ بنابراین در این حوزه بایستی روابط توسعه یابد.
- (۶) موقعیت تاریخی - تمدنی، ژئوپلیتیک و سیاسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران در نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای است که اتخاذ رویکردهای مختلفی را در عملیاتی کردن سیاست خارجی ایران اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. بنابراین ایجاد تعادل بین دو عنصر ژئوپلیتیک و ایدئولوژی را باید رعایت نماید.
- (۷) جمهوری اسلامی ایران بایستی از رقابت چین و هند به‌ویژه در مورد سرمایه‌گذاری در چابهار استفاده بهینه نماید، به‌گونه‌ای که موازنه‌ای ایجاد گردد که نتیجه آن توجه هم‌زمان هر دو کشور به جمهوری اسلامی ایران باشد.
- (۸) جمهوری اسلامی ایران بایستی با پیوستن به ابتکار جاده ابریشم موردنظر چین، موقعیت جغرافیایی خود را به موقعیت ژئوپلیتیکی تبدیل نماید. به سبب تبعات مثبت اقتصادی و امنیتی بایستی به مسیر جاده ابریشم بپیوندد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴). «ریشه‌های تفکر گفتمان هویت بین‌المللی در سیاست خارجی چین»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره اول.
- بوالحسنی، خسرو (۱۳۹۲). بررسی عوامل ژئوپلیتیک ترکیه و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۸). «مفهوم‌سازی‌های مختلف دولت در نظریه روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه‌های رابرت کاکس»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۶-۱۴۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره‌های ۵۷ و ۵۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴) «ژئوپلیتیک، علم یا گفتمان: یک تردید فلسفی»، مجله ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). «نظریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵). «فصلنامه ژئوپلیتیک»، سال دوازدهم، شماره ۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ شمس دولت‌آبادی، سیدمحمودرضا (۱۳۸۸). «علائق ژئوپلیتیک و راهبرد ملی مطالعه موردی: ایران نسبت به آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، شماره ۳۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا؛ عزتی، عزت‌الله؛ لشگری، احسان (۱۳۹۰). «تبیین نظری - فلسفی علل تداوم رقابت‌های ژئوپلیتیک در روابط بین‌الملل پس از فروپاشی بلوک شرق»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ رشید، غلامعلی؛ پرهیزگار، اکبر؛ افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶). «الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره ۲.
- خلیفه، مجتبی (۱۳۸۷). «تجارت دریایی خلیج فارس - چین در سده‌های میانه به روایت ناظر چینی»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳۶.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). «بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم.
- دانش‌آشتیانی، محمدباقر (۱۳۹۱). «الگویی برای مدیریت راهبرد دفاعی - امنیتی»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، شماره ۲.
- سازمند، بهاره؛ ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۱). «چالش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و دکترین ظهور مسالمت‌آمیز چین»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲.

- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۵). سیاست خارجی چین: فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک - معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی - گروه مطالعات آسیا.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۱). «عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۲.
- شمس‌دولت آبادی، سیدمحمودرضا (۱۳۸۶). «علاقه ژئوپلیتیکی و راهبرد ملی مورد: ایران نسبت به آسیای مرکزی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک، تهران: سمت.
- غفاری، مسعود؛ شریعتی، شهروز (۱۳۸۷). «اماکن‌سنجی گسترش روابط راهبردی ایران و چین از منظر نظریات اتحاد و همگرایی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱.
- غفاریان، وفا؛ کیانی، غلامرضا (۱۳۸۳). راهبرد اثربخش، تهران: انتشارات فرا.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۵). «ژئوپلیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۱۳.

(ب) منابع انگلیسی

- Britannica, B (2012). geopolitics. Available at: [http:// www.britannica.com/](http://www.britannica.com/).
- Buzan, B. (2010). "China in International Society: is peaceful rise possible?" The - Chinese Journal of International politics, 5-36.
- Clegg, J. (2009). China's Global Strategy: Toward a Multipolar World, London: Pluto Press.
- Dictionary of geography (2012). geopolitics. By Susan mayhew. Oxford university press.
- Dodds, Klaus. Atkinson, David (2000). Geopolitical traditions. London and New York: routledge.
- Eslami Nadooshan, Mohammad Ali (2011). Iran and its Clients, Tehran, Enteshar Publication.